

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره چهارم (پیاپی ۲۶)، زمستان ۱۳۹۷

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۵۸-۳۷

تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های کشت و صنعت در مناطق روستایی شهرستان جیرفت

علی‌اکبر عنابستانی*؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
سیدرضا حسینی کهنوج؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۹/۰۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳

چکیده

با توجه به نقش فعالیت‌های کشت و صنعت در ایجاد اشتغال در مناطق روستایی، مقاله حاضر با هدف تبیین و شناسایی متغیرهای کلیدی مؤثر و نقش آن‌ها بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های شرکت کشت و صنعت جیرفت با رویکرد آینده‌نگاری راهبردی و با استفاده از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع صورت پذیرفته است. ابتدا با استفاده از روش کیفی و به صورت میدانی، عوامل اصلی شناسایی شده و سپس جهت تحقق رویکرد آینده‌پژوهی، با استفاده از روش دلفی و در قالب نرم افزار میک مک، عوامل از بعد تاثیرگذاری یا تاثیرپذیری مورد آزمایش قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش را ۷۵ نفر از مروجان، کارشناسان جهاد کشاورزی و اساتید صاحب نظر تشکیل می‌دهند که بیشترین ارتباط را با این بحث داشته‌اند و از بین آن‌ها ۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است. نتایج نشان داد: متغیرهای نوسانات کم محصولات کشاورزی (۵۴)، تخصیص یارانه به سرمایه‌گذاران و حمایت از کارآفرینان (۵۰)، همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات (۴۸)، کاهش هزینه‌های تولیدی اعضاء (۴۸) و توسعه زنجیره‌های تأمین محصولات و فرآورده‌های گوناگون کشاورزی (۴۷) به ترتیب بالاترین ارزش ستونی محاسبه شده و دارای بیشترین میزان تاثیرگذاری نسبت به سایر متغیرها می‌باشند و در تاثیر غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر، متغیرهای نوسانات کم محصولات کشاورزی (۹۴۰۲۰)، تخصیص یارانه به سرمایه‌گذاران و حمایت از کارآفرینان (۸۸۶۱۶)، همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات (۸۴۷۱۸) کاهش هزینه‌های تولیدی اعضاء (۸۴۰۰۸) و توسعه زنجیره‌های تأمین محصولات و فرآورده‌های گوناگون کشاورزی (۸۳۰۲۶) به ترتیب دارای بیشترین ارزش ستونی محاسبه شده و دارای بیشترین میزان تاثیرپذیری از دیگر متغیرها بوده است.

واژگان کلیدی: اشتغال‌زایی روستایی، اقتصاد روستایی، کشاورزی، کشت و صنعت، شهرستان جیرفت.

* anabestani@um.ac.ir

(۱) مقدمه

از مهمترین پارامترهای یک مدل کلان اقتصادی، اشتغال است که هرگونه تغییر در این پارامتر، اثرات خاص خود را بر دیگر پارامترهای اقتصادی برجای خواهد گذاشت. اشتغال از نیازهای اصلی هر جامعه است که هرگونه نارسایی و یا کمبود در آن منشاء پیدایش بسیاری از ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که تحت تاثیر عوامل مختلفی است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۶). بنابراین برای رسیدن به توسعه اقتصادی و اشتغالزایی، باید از تمامی توان‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف سود برد. چرا که نگرش تک‌بعدی به بخش‌های اقتصادی، عامل عقیم ماندن توان‌های محیطی در بهره‌وری از منابع می‌گردد و بدون نگرش منطقی و علمی به این مسئله، توسعه در بلندمدت، راه به جایی نخواهد برد (قادرمرزی، ۱۳۹۴: ۱۱۰) و باید توجه داشت که توسعه اقتصادی در هر سرزمین، وابسته به کارآیی، تلفیق و ترکیب بهینه بین بخش‌های مختلف اقتصاد است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۳). با توجه به اینکه روستاها حدود ۲۵٪ از جمعیت کشور را شکل می‌دهند و بخش قابل توجهی از شاغلین حوزه‌های روستایی در امر کشاورزی مشغول به کار هستند که در صورت تحقق شرایط مساعد، می‌توانند نقش مهمی در خودکفایی اقتصادی، استقلال سیاسی، امنیت غذایی و کسب ارز ایفا نمایند (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۲) از این‌رو، اشتغالزایی در بخش روستایی به کانون توجه بسیاری از صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان تبدیل شده است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند توان ماندگاری هر کشوری در جهان پرتحول کنونی، تابعی از میزان بهره‌برداری از منابع محلی آن کشور است (سیپیل، ۱۳۸۸: ۱)، به نقل از مطیعی لنگرودی و شمسایی). در چند دهه اخیر، کشورهای توسعه یافته و کشورهای جهان سوم از جمله ایران اقدام به اجرای پروژه‌هایی در جهت اشتغالزایی در مناطق روستایی کرده‌اند. یکی از این پروژه‌ها، راه‌اندازی صنایع فرآوری محصولات کشاورزی و همچنین صنایع کشت و صنعت در مناطق روستایی و حومه شهرهاست. به طور کلی هدف از ایجاد و توسعه این صنایع، برقراری تعادل، استفاده از منابع موجود، تامین نیازمندی‌ها، افزایش رفاه و اشتغال حداکثری بوده است (صافی و میرلطیفی، ۱۳۹۴: ۹۰). این صنایع در پی نقایض اصلاحات ارضی که در اوایل دهه ۱۳۴۰ به عنوان یک طرح بزرگ از سوی دولت وقت معرفی شد و به کوچک و خرد شدن اراضی زراعی در ایران منجر گردید، تاسیس شدند که نمونه آن شرکت کشت و صنعت جیرفت (سهامی خاص) است که در سال ۱۳۵۲ با هدف انجام عملیات کشاورزی و دامداری نوین و نیز راه‌اندازی صنایع جنبی و تکمیلی، جهت تولید فرآورده‌های کشاورزی و دامی در قالب یک نظام بهره‌برداری پیشرفته، به عنوان زیرمجموعه‌ای از وزارت کشاورزی و منابع طبیعی ایجاد گردید (صی محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۸). عمده فعالیت شرکت از سال ۱۳۵۶ با تولید محصولات باغی، زراعی و دامی آغاز و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی نیز این فعالیت‌ها با تمرکز بیشتر بر توسعه باغ‌های مرکبات و نخیلات ادامه یافت. در چند سال اخیر با بهره‌گیری از سیستم‌های نوین آبیاری، فعالیت‌های زراعی شرکت در ابعاد گسترده‌تری از منظر فنی و سطح زیر کشت ادامه یافته است. در سال ۱۳۸۹ در راستای

سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سهام شرکت کشت و صنعت جیرفت توسط سازمان خصوصی سازی و از طریق فرابورس به اتحادیه مرکزی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی ایران و صندوق بازنشستگی بانک‌ها فروخته شد. در حال حاضر این شرکت به عنوان یک بنگاه اقتصادی کاملاً خصوصی و در راستای اهداف و سیاست‌های سهامداران جدید اداره می‌شود که نقش بسیار مهمی در توسعه اشتغال منطقه داشته و توانسته زمینه‌های شغلی زیادی را در منطقه جیرفت و شهرستان‌های اطراف ایجاد کند و اهداف آن در راستای برنامه‌های توسعه با هدف استفاده از منابع محلی، توسعه کشاورزی و افزایش درآمد مردمی است. با وجود اینکه بیش از چهار دهه از فعالیت آن‌ها می‌گذرد، تاکنون مطالعه جامعی که به پیامدهای اقتصادی این شرکت توجه کرده باشد، انجام نشده است. همچنین پیامد فعالیت‌های اقتصادی این شرکت برای روستاییان و بهره‌برداران و نیز تغییراتی که ایجاد کرده است، کماکان ناشناخته و مبهم است (سایت شرکت کشت و صنعت جیرفت، ۱۳۹۶). با توجه به اهمیت بحث شرکت کشت و صنعت در شهرستان جیرفت و عملکرد مطلوب آن در بخش کشاورزی، هدف مقاله حاضر تبیین و شناسایی متغیرهای کلیدی موثر و نقش آن‌ها بر اشتغالزایی فعالیت‌های شرکت کشت و صنعت جیرفت در مناطق روستایی این شهرستان است. برای دست‌یابی به این مهم، با استفاده از نرم افزار میک میک میزان تاثیرپذیری و تاثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های اشتغال در توسعه فعالیت‌های شرکت کشت و صنعت تبیین می‌شود و در نهایت عوامل و شاخص‌های تاثیرگذارتر شناسایی می‌شوند. نتایج حاصله می‌تواند در بهبود عملکرد مجریان و مدیران شرکت‌های سهامی زراعی که به پیاده‌سازی الگوهای مناسب‌تر مدیریتی توجه گردد، کمک نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه‌ای رسمی در این زمینه انجام نشده است و آنچه مطالعه حاضر را از سایر مطالعات متمایز می‌کند، بررسی متغیرهای کلیدی موثر و نقش آن‌ها بر اشتغالزایی در نوع خاصی از نظام‌های بهره‌برداری در بخش کشاورزی به نام شرکت‌های سهامی زراعی است که اکنون پس از چند دهه به عنوان راهکاری جهت افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی، احیا و گسترش آن مورد توجه قرار گرفته است.

۲) مبانی نظری

در ایران توسعه کشاورزی با موانع و مشکلات عدیده‌ای مواجه است که از جمله آن می‌توان به ضعف نظام‌های بهره‌برداری اشاره کرد (حجی پور و فال سلیمان، ۱۳۹۳: ۴۱). با توجه به اینکه حیات هر جوامع روستایی وابسته به بخش کشاورزی است و این بخش، مبتنی بر نظام‌هایی است که هر جزء آن تابعی از تغییر و تحولات کل سیستم اجتماعی است (امینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲) و بین بخش‌های اقتصادی، این بخش دارای ویژگی‌های خاصی است که در رابطه با اشتغال و بخصوص توزیع درآمد همواره مورد توجه بوده است (مجاوریان و همکاران، ۱۳۹۳: ۴) و بیشترین مشکلات و معضلات روستا در ارتباط با اشتغال، کمبود درآمد است (حسینی،

۱۳۹۳: ۲۰). از این رو، اشتغال انعکاسی از پویایی اقتصادی و اجتماعی‌ان جامعه محسوب می‌شود (فرجی سبکبار، ۱۳۹۲: ۵). در چند دهه اخیر، کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای جهان سوم از جمله ایران، اقداماتی جهت راه اندازی پروژه‌هایی در جهت اشتغالزایی بخصوص در مناطق روستایی شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲۲). یکی از این پروژه‌ها، راه اندازی صنایع فرآوری محصولات کشاورزی و همچنین کشت و صنعت در مناطق روستایی و حومه شهرهاست. این صنایع، با هدف استفاده بهینه از منابع محلی، جلوگیری از ضایعات کشاورزی، افزایش سطح درآمد و افزایش سهم اشتغال صنعتی در مناطق روستایی ایجاد شده اند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۵: ۱۵۳) اگرچه این پروژه‌ها برای بهبود زندگی مردم روستا به کار رفته اند، اغلب بدون در نظر گرفتن پیامدهایشان در محیط اجرا درآمده اند و مشخص نیست که چه پیامدهای مثبت و منفی متعددی در محیط روستا و برای مردم به دنبال دارند (احمدوند و کرمی، ۲۰۰۹: ۱۲۶). سهم قابل توجه بخش کشاورزی در رشد اقتصادی کشور علی‌رغم کاهش سهم آن از موجودی سرمایه در مقایسه با بخش‌های دیگر، باعث شد که بسیاری از سیاست‌گذاران به این باور برسند که این بخش می‌تواند محل مناسبی برای ایجاد اشتغال باشد. این در حالی است که در برهه زمانی سیاست گسترش فعالیت‌های کاربر در بخش کشاورزی در تمامی دنیا سیاست مطوردی است. با این وجود در ایران، همچنان تلاش‌ها و سیاست‌ها بر افزایش اشتغال در این بخش متمرکز شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۱). موضوع اشتغال روستایی و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود. بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره، از جمله دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است. روند توسعه اقتصادی - اجتماعی هر کشور را در نهایت منابع انسانی آن تعیین می‌کند. در همین راستا، بهره‌برداری کامل و مناسب از منابع انسانی هر کشور باید به عنوان یکی از هدف‌های راهبردی توسعه در نظر گرفته شود. افزایش عرضه نیروی کار به دلیل رشد روز افزون جمعیت و پایین بودن ظرفیت‌های تولید باعث شده که کشور با نرخ بالای بیکاری مواجه شود (بلالی و خلیلیان، ۱۳۸۲: ۱۰۹). یکی از بخش‌های مهم اقتصادی بخش کشاورزی است، که توجه به آن در بعد اشتغال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بخش کشاورزی با سهم ۱۵ درصدی از تولید ناخالص داخلی؛ ۲۲/۷ در صد از کل شاغلان کشور را در خود جای داده است (اسکوئی، ۱۳۸۱: ۷۳). در حال حاضر یکی از مسائل اساسی اقتصاد ایران بیکاری و تبعات ناشی از آن است. بیکاری در اقتصاد ایران معلول کار کرد متغیرهای اقتصادی و اثر گذاری آنها بر تقاضای نیروی کار و در طرف عرضه، تابع ساختار و نرخ رشد جمعیت و در عرصه عوامل محیطی مؤثر بر رشد جمعیت، افزایش عرضه نیروی کار در دراز مدت، افزایش نرخ مشارکت، سطح فناوری تولید، میزان دستمزدها و پدیده چند شغلی بودن از عوامل مهم تاثیر گذار محسوب می‌شوند. در طرف تقاضا نیز رشد بخش‌های مختلف اقتصاد، سطح سرمایه گذاری، کشش‌پذیری تولید، رشد اندک بهره‌وری عوامل و سطح دستمزدها و در عرصه محیطی، قوانین و

مقررات بازار کار و کارکرد نهادهای موجود نظیر مراکز کارایی موثرند(باصری، ۱۳۸۶: ۱۲۴). گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، خودکار شدن فرایند تولید موجب کاهش سهم اشتغال این بخش در تولید ملی می‌شود. افزایش کارایی در تولید نیز به دلیل رقابتی شدن بازار محصولات و نهادهای تولید منجر به کاهش استخدام عوامل تولید می‌گردد. در توالی توسعه اقتصادی، سهم بخش‌های اقتصادی نیز بر اساس نظریه چنری تولید ناخالص داخلی و به تبع آن اشتغال، دچار تحول شده‌اند. بر این اساس در طول زمان همراه با افزایش درآمد سرانه در یک جامعه، سهم بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال کاهش و سهم بخش‌های صنعت و خدمات افزایش یافته است. شواهد تجربی تناسب چنین روندی را با سطح توسعه یافتگی کشورها تایید می‌کنند(کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳).

میزان موفقیت جوامع در توسعه کشاورزی تابعی است از راهبردهای اتخاذی که متناسب با نقاط ضعف و چالش‌های شناخته شده، است. عمده راهبردهایی نظیر بهبود، که در چهارچوب توسعه روستایی مطرح شده و بر صنعتی شدن و تجربه مدل غربی توسعه اقتصادی تأکید می‌نماید، راهبرد اصلاح گرایانه و رادیکال است که در آن رشد به منظور توسعه روستایی و کشاورزی ضروری تلقی می‌شود و توزیع برابر منابع، بایستی از طریق ساختار مناسبات تولید به همراه تغییر نهادهای کشاورزی به دست آید. در زمینه کشاورزی از مشخصه‌های اصلی این راهبرد ایجاد مزارع روستایی و بسیج نیروی کار برای افزایش تولید و بحث اشتغال است که اجرای آن با ملغی کردن مالکیت خصوصی زمین و ایجاد واحدهای تولیدی بزرگ حاصل می‌شود. راهبرد اصلاحات ارضی بیشتر به دنبال تأمین اهداف سیاسی بوده تا اقتصادی. راهبرد سیاست‌های ترغیبی نیز از دیگر راهبردهای توسعه کشاورزی به شمار می‌آیند. راهبرد سیاست‌های ترغیبی در سه حوزه نظام بهره برداری کشاورزی، پژوهش و ترویج و قیمت گذاری اعمال می‌گردد و در چهارچوب آن اقداماتی نظیر سیاست قیمت گذاری، تأسیس مراکز تحقیقات کشاورزی و خدمات ترویجی، تشویق کشاورزان به استفاده از فنون نو، وسایل جدید و نوآوری‌های فن-آورانه صورت می‌پذیرد(شکوری، ۱۳۸۸: ۴۰). در کشور ما نیز توسعه کشاورزی با موانع و مشکلات عدیده‌ای مواجه است که از جمله آن می‌توان به نظام‌های بهره برداری زراعی اشاره داشت پس از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰، با تغییر نظام ارباب رعیتی، نظام‌های گوناگون بهره برداری از زمین شکل گرفت و اراضی وسیع زراعی به زمین‌های خرد و پراکنده از هم مبدل گردید که در نتیجه آن، نه تنها رشد و رونق کشاورزی حاصل نشد، بلکه به جهت عجین بودن بخش کشاورزی با کانون‌های روستایی، ساختار اقتصاد روستاها و کشاورزی را تخریب نمود با استقرار نظام خرده مالکی در درون کشاورزی ایران، سوالاتی از این دست مطرح است که آیا این نظام با توجه به رشد فزاینده جمعیت، جوابگوی نیاز غذایی و تأمین کننده امنیت آن در کشور خواهد بود؟ آیا نظام خرده مالکی می‌تواند به تقویت بنیه اقتصادی روستاییان، که بیش از ۲۵ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شوند، بپردازد؟ با توجه به این که میزان هدر رفت آب در این نظام در سطح بالایی بوده، آیا می‌توان به دنبال توسعه و کشاورزی

پایدار در محیط روستایی بود؟ و آیا می‌توان نظام خرده مالکی را بستر مناسبی در جهت بکارگیری دانش و تکنولوژی‌های نوین در کشاورزی دانست؟ در پاسخ به این سؤالات، راهبردهایی نظیر ترویج نظام‌های تجاری از قبیل تعاونی‌های تولید، شرکت‌های سهامی زراعی و یا کشت و صنعت‌ها مطرح است (حجی پور و فال سلیمان، ۱۳۹۳: ۴۰). چرا که در این نظام‌های بهره‌برداری، میزان مشارکت، نوگرایی و بهره‌وری بهره‌برداران در سطح فراتری قرار دارد (ازکیا و فیروز آبادی، ۱۳۸۷: ۷۷). علاوه‌دارای مزایایی هم چون صرفه‌جویی در هزینه تولید، امکان استفاده از تکنولوژی‌های نوین، دسترسی به اطلاعات بازار، تخصصی شدن فعالیت‌ها، سهولت در استفاده از اعتبارات و خدمات، تجاری شدن کشت و بهبود شاخص‌های توسعه روستایی است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۵۹). با توجه به اهمیت بحث اشتغالزایی، پژوهش‌های متعددی به این مسئله پرداخته شده که اهم این مطالعات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: کوردوا (۱۹۷۸) در مطالعه‌ای، تقاضا برای نیروی کار در کشاورزی ژاپن پس از جنگ جهانی پرداخت به این نتیجه رسید که تشویق تکنولوژی مکانیکی پس از جنگ جهانی در کشاورزی ژاپن نقش مهمی در کاهش تقاضا برای نیروی کار در کشاورزی ایفا کرده است. مهمت (۱۹۹۵) در مطالعه‌ای که با هدف اشتغالزایی و تاکید بر استراتژی توسعه سبز در کشور اندونزی انجام داد، به این نتیجه رسید که کشور اندونزی با وجود منابع طبیعی فراوان، تراکم بالایی از جمعیت داشته و با معضل بیکاری مواجه است که این عوامل سبب تخریب محیط زیست این کشور شده است. نهایتاً استراتژی که مهمت برای توسعه اشتغال ارائه داد. یافته‌های تحقیقات رومی و پاروت (۲۰۰۸)، نواز (۲۰۰۹) و سایتاما (۲۰۱۰) نشان داد که عواملی از جمله پائین بودن سطح ریسک و نوآوری، دسترسی دشوار به اعتبارات سرمایه‌ای از سوی نهادهای دولتی و خصوصی، مشکلات بازاریابی محصولات، مناسب نبودن سیاست‌ها و قوانین سازمانی و دولتی و سیاست‌های بانکی، دوره‌های مقطعی آموزش کارآفرینی، عدم توان ریسک‌پذیری از مهم‌ترین موانع توسعه اشتغال در نواحی روستایی می‌باشند. نتایج پژوهش زونیگا و کرسپی (۲۰۱۳) با هدف ارائه استراتژی‌های جدید در جهت توسعه اشتغال در شرکت‌های آمریکای لاتین نشان داد سه استراتژی‌های بکار رفته در شرکت‌های مورد بررسی، استراتژی‌های ساختن محض، خرید محض و مخلوط (ترکیب دو استراتژی ساختن و خرید) در توسعه اشتغال در آمریکای لاتین مؤثر بوده‌اند. در پژوهش‌های داخلی نیز امینی (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای به برآورد و تحلیل تابع تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی و پیش‌بینی آن در طول برنامه سوم توسعه پرداخته و از الگوی پویای تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی نتیجه گرفته که اشتغال در این بخش متأثر از چهار عامل؛ اشتغال با وقفه، ارزش افزوده، سرمایه با وقفه و دستمزد واقعی است. صادقی و همایون‌فر (۱۳۸۰) در مقاله‌ای، نقش کشاورزی را در تامین اشتغال و کاهش بیکاری بررسی کرده‌اند، با استفاده از مدل تقاضای تجربی نیروی کار نتیجه گرفته‌اند که کشش اشتغال نسبت به سطح زیرکشت در مقایسه با متغیرهای سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده از اهمیت بیشتری برخوردار است. بلالی و خلیلان (۱۳۸۳)، تاثیر سرمایه‌گذاری را بر اشتغالزایی و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی ایران

براساس رهیافت تقاضای نیروی کار بررسی کرده و رابطه مثبت بین سرمایه گذاری و اشتغال و رابطه معکوس بین دستمزد و اشتغال بخش کشاورزی را تایید کرده‌اند. قدیری معصوم و عزمی (۱۳۸۹) به بررسی تحولات اشتغال روستایی، و عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از تغییر الگوی غالب اقتصادی روستاها از کشاورزی و صنعت به سمت خدمات بوده است. همچنین مهاجرت‌پذیری نقش مهمی در این تغییر فرایند بازی می‌کند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از ادامه این وضعیت در سال‌های آتی دارد. نوری و همکاران (۱۳۸۹)، در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که ایجاد صنایع فراروی در مناطق روستایی منجر به افزایش اشتغال کشاورزی می‌شود از طرفی دیگر با توجه به رونق کشاورزی در منطقه، بسیاری از روستاییان به عنوان کارگر در زمین‌های کشاورزی مشغول به کار شده‌اند. فرجی سبکبار و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهشی، یادآور می‌شود که مسئله اشتغال و به طور کلی نیروی انسانی در مسائل اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای دارد. در اقتصاد ایران، اشتغال از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران اقتصادی است که مستلزم شناخت دقیق استعدادها و توان بالقوه بخش‌ها و ترکیب آن در مناطق است. محمدی و همکاران (۱۳۹۵) عنوان می‌کنند که امروزه یکی از راهبردهای توسعه روستایی راه اندازی فرآوری محصولات کشاورزی و همچنین کشت و صنعت‌ها در مناطق روستایی است. اگرچه این کارخانجات با هدف بهبود زندگی کشاورزان در مناطق روستایی احداث می‌شوند اما نباید پیامدهای آن‌ها را نادیده گرفت. نتایج تحلیل دینامیکی حاصل از این است که تاسیس شرکت روژین تاک رابطه مثبتی با ایجاد اشتغال داشته است.

علاوه بر مطالعات فوق، بررسی‌های دیگری توسط محققان دیگر در زمینه موضوعات فوق‌الذکر انجام شده است؛ اما پژوهش و مطالعات بسیار اندکی به تحلیل پیشران‌های کلیدی موثر بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های کشت و صنعت در مناطق روستایی پرداخته است و تقریباً می‌توان ادعا کرد که در خصوص موضع پیشران‌های کلیدی در بحث اشتغال‌زایی هیچ مطالعه‌ای مشاهده نشده است. پژوهش حاضر تلاش دارد با بررسی این موضوع در روستاهای منطقه مطالعاتی، به این مهم پرداخته و راه کارهایی جهت تقویت آن، ارائه دهد.

۳) روش تحقیق

بر اساس نوع مؤلفه‌های مورد بررسی (جدول ۱)، نوع تحقیق کاربردی و توسعه‌ای و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. اطلاعات مورد نیاز در خصوص مبانی نظری به روش کتابخانه‌ای گردآوری و اطلاعات میدانی به روش پرسشنامه گردآوری شده که از نخبگان و صاحب‌نظران نظرسنجی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش را ۷۵ نفر از کارشناسان، متخصصین و اساتید دانشگاهی شناسایی شده در حوزه کشاورزی تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران و با سطح خطای ۸ درصد، یک نمونه ۵۰ نفری جهت تکمیل پرسشنامه خبره محور، اقدام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تحلیل ساختاری تأثیرگذاری هر یک از

شاخص‌های کلیدی مؤثر بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های کشت و صنعت از نرم افزار Micmac استفاده شد که در ابتدا تاثیر متغیرها نسبت به یکدیگر از صفر تا چهار بر اساس طیف تعریف شده در این نرم افزار و زیر نظر کارشناسان و متخصصان ارزش‌گذاری شد، سپس تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم و همچنین شاخص‌های داری پتانسیل اثرگذار و اثرپذیر مستقیم و غیرمستقیم و در نهایت تاثیرگذارترین شاخص‌های کلیدی شناسایی شده است.

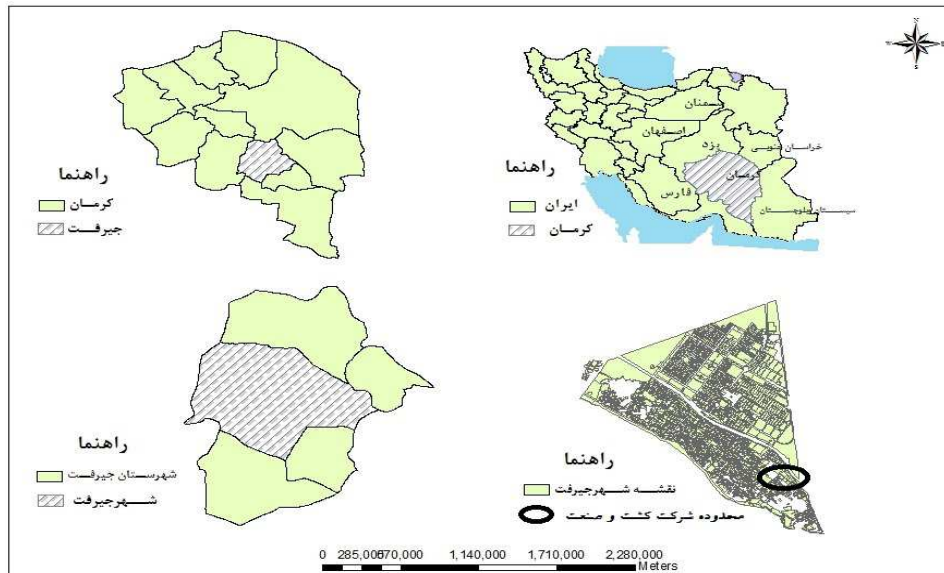
جدول شماره (۱) مؤلفه‌ها و شاخص‌های بکار رفته در پژوهش

مؤلفه	شاخص
اصلاح ساختارهای نگرشی در واحدهای صنعتی	۱- ارائه مطالب آموزشی مطلوب جهت ترغیب سرمایه‌گذاران، ۲- توسعه زنجیره‌های تأمین محصولات و فرآورده‌های گوناگون کشاورزی، ۳- سهم کردن کشاورزان در ارزش افزوده و بهره برداری از محصولات، ۴- افزایش افق دید کشاورز و سرمایه‌دار به بازارهای خارج از کشور، ۵- اصلاح ساختارهای سنتی تولید محصول و بهره‌گیری از کشاورزی هوشمند با توجه به وسعت اراضی
بهبود فضای رقابتی	۶- توسعه و گسترش غرفه‌های متنوع جهت عرضه محصولات، ۷- قرار گرفتن محصولات در بورس جهت ایجاد فضای رقابتی و حذف واسطه‌ها، ۸- برندسازی نمونه‌های بومی منطقه تحت عنوان محصولات خاص
تدوین استراتژی‌های افزایش عملکردی و اجرای آن	۹- تخصیص یارانه به سرمایه‌گذاران و حمایت از کارآفرینان، ۱۰- ایجاد صندوق‌های خرد روستایی، ۱۱- سرمایه‌گذاری به نسبت مطلوب دولت در بخش کشاورزی، ۱۲- وجود صنایع تبدیلی، ۱۳- توسعه تولید محصولات کشاورزی ارگانیک و سالم، ۱۴- فعالیت موسسات اشتغال‌زا در مناطق روستایی، ۱۵- تخصیص حقاچه مورد نیاز با توجه به کم‌آبی منطقه، ۱۶- تامین زیرساخت‌های مطلوب جهت صدور محصولات با توجه به نزدیکی به راه آبی، ۱۷- اصلاح الگوی کشت محصولات با توجه به شرایط منطقه و تغییرات اقلیمی
تسهیل قوانین مالیاتی و حقوقی	۱۸- کاهش نرخ سود تسهیلات، ۱۹- همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات، ۲۰- حذف قوانین دست و پاگیر، ۲۱- پوشش مناسب بیمه محصولات کشاورزی، ۲۲- معافیت‌های تشویقی جهت صدور محصول به خارج از کشور، ۲۳- ثبات بازار ارزی کشور جهت صدور محصولات کشاورزی
مسائل اقتصادی و انگیزشی	۲۴- کاهش هزینه‌های تولیدی اعضا، ۲۵- تخصیص سود حاصل از سرمایه‌های بدست آمده به سهامداران خرد، ۲۶- نوسانات کم محصولات کشاورزی، ۲۷- وجود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، ۲۸- تشکیل اتحادیه و تعاونی‌های کشاورزی با قدرت عملکردی بالا

منبع: براساس منابع در دسترس

شهرستان جیرفت به عنوان یکی از شهرستان‌های استان کرمان، در قسمت مرکزی این استان واقع شده است و مرکز آن شهر جیرفت است. این شهرستان از شمال به شهرستان کرمان، و از شمال غرب و غرب به شهرستان بافت، و از جنوب به شهرستان کهنوج و از شرق و شمال شرق به شهرستان بم محدود می‌شود (یغفوری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۲). شرکت کشت و صنعت جیرفت (سهامی خاص) در سال ۱۳۵۲ تحت شماره ۱۱۲ اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسید. با برخورداری از ۱۲۹۰ هکتار در منطقه

جنوبی شهر جیرفت واقع شده است. زمین‌های زراعی این شرکت با سطح زیر کشتی معادل ۸۰۰ هکتار از مرغوب‌ترین اراضی دشت جیرفت است (شکل ۱).



شکل شماره (۱) محدوده شرکت کشت و صنعت شهرستان جیرفت

۴ یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع پاسخ دهندگان به پرسشنامه‌ها ۴۴ نفر معادل ۸۷.۳ درصد مرد و ۷ نفر معادل ۱۳.۷ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. در رابطه با داده‌های توصیفی وضعیت تأهل از مجموع افراد پاسخ دهنده ۱۰ نفر از آنان معادل ۲۰ درصد را مجردین و ۴۰ نفر دیگر معادل ۸۰ درصد از پاسخ‌گویان را افراد متأهل تشکیل می‌دهد. همچنین از مجموع افراد پاسخ‌گو به پرسشنامه، ۱۹/۹ درصد افراد دارای مدرک فوق دیپلم، ۶۳.۱ درصد افراد دارای مدرک کارشناسی و ۱۷ درصد پرسش‌شوندگان دیگر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بوده‌اند. در رابطه با وضعیت سن افراد پاسخ‌گو به پرسشنامه معادل ۱۰/۹ درصد کم‌تر از ۳۰ سال، ۲۷/۶ درصد ۳۰-۴۰ سال، ۳۳/۷ درصد ۴۰-۵۰ سال، ۱۶/۶ درصد ۵۰-۶۰ سال و ۱۱/۲ درصد بیشتر از ۶۰ سال را دارا می‌باشند. همچنین حدود ۳۸ درصد پرسش‌شوندگان دارای تجربه فعالیت زراعی می‌باشند.

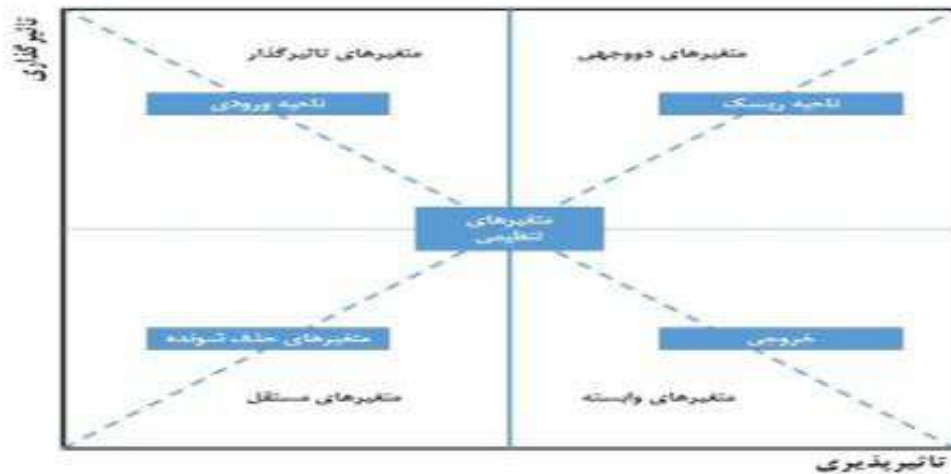
همانطور که عنوان شد، ابتدا با استفاده از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای، مهمترین عوامل اثرگذار بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های کشت و صنعت در مناطق روستایی شناسایی شد. در ادامه با استفاده از روش کمی آینده پژوهی و استفاده از نرم افزار MICMAC به میزان تاثیرگذاری یا تاثیرپذیری عوامل شناسایی شده اقدام گردید. جدول (۱)، دسته بندی متغیرها جهت معرفی به نرم افزار را نشان می‌دهد.

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، ابعاد ماتریس $28 * 28$ تنظیم شده است. درجه پرشدگی ماتریس ۹۵.۵۴ درصد است که نشان می‌دهد عوامل انتخاب شده تأثیر زیادی بر روی هم گذاشته‌اند. از مجموع ۷۹۴ رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس، ۳۵ رابطه، عددشان صفر بوده است که به این معنی است عوامل بر همدیگر تأثیر نگذاشته یا از همدیگر تأثیر نپذیرفته‌اند. ۲۹۷ رابطه، عددشان یک بوده است بدین معنی که تأثیر کمی نسبت به هم داشته‌اند، ۲۹۵ رابطه، عددشان ۲ بوده است بدین معنی که رابط تأثیرگذار نسبتاً قوی داشته‌اند، ۹۸ رابطه، عددشان ۳ بوده است بدین معنی که روابط عامل‌های کلیدی بسیار زیاد بوده است و از تأثیرگذاری و تأثیر پذیری زیادی برخوردار بوده‌اند. در نهایت نیز ۵۹ رابطه، عددشان P بوده است که نشان دهنده روابط پتانسیلی و غیرمستقیم عامل‌ها بوده است.

جدول شماره (۲) تحلیل داده‌های ماتریس و تأثیرات متقاطع

مقدار	اطلاعات ماتریسی
۲۸	ابعاد ماتریس
۲	تعداد تکرار
۳۵	تعداد صفر
۲۹۷	تعداد یک
۲۹۵	تعداد دو
۹۸	تعداد سه
۵۹	تعداد P
۷۴۹	جمع
٪۹۵.۵۴	درجه پرشدگی

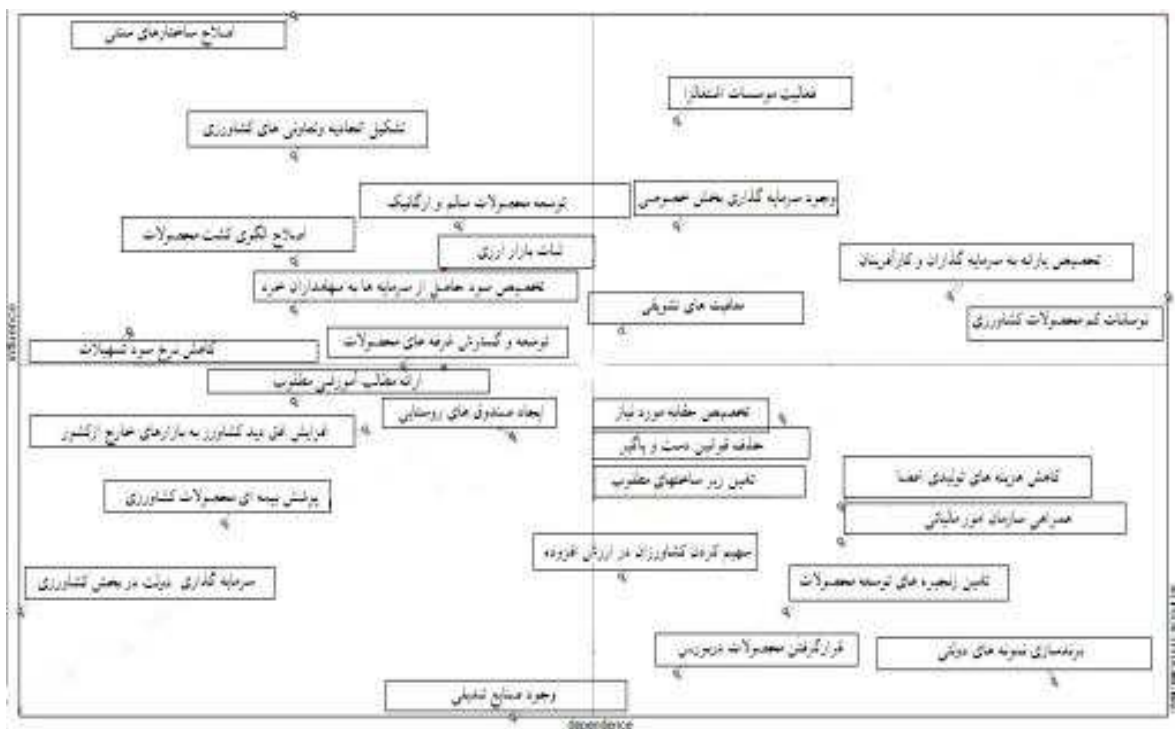
در ماتریس متقاطع جمع اعداد سطرهای هر متغیر، میزان تأثیرگذاری و جمع ستونی هر متغیر نیز میزان تأثیر پذیری آن متغیر را از متغیرهای دیگر نشان می‌دهد. نحوه توزیع و پراکنش متغیرها در صفحه پراکنده‌گی، از پایداری یا ناپایداری سیستم حکایت می‌کند. در بخش روش‌شناسی و تحلیل میک‌مک در مجموع دو نوع پراکنش تعریف شده است که به نام سیستم‌های پایدار و سیستم‌های ناپایدار معروف هستند. در سیستم‌های پایدار پراکنش متغیرها به صورت L انگلیسی نشان داده شده است؛ یعنی برخی متغیرها دارای تأثیرگذاری بالا و برخی دارای تأثیر پذیری بالا هستند. در سیستم‌های پایدار مجموعاً سه دسته متغیر را می‌توان مشاهده کرد: الف- متغیرهای بسیار تأثیرگذار بر سیستم (عوامل کلیدی). ب- متغیرهای مستقل. ج- متغیرهای خروجی سیستم (متغیرهای نتیجه). (شکل ۲).



شکل شماره (۲) تحلیل تأثیر گذاری و تأثیر پذیری متغیرها

منبع: (Godet, 2006: 189)

با توجه به شکل (۲)، در این سیستم جایگاه هر یک از عوامل و نقش آن کاملاً روشن شده است. اما در سیستم های ناپایدار وضعیت پیچیده تر از سیستم های از سیستم های پایدار است. در این سیستم، متغیرها حول محور قطری صفحه پراکنده هستند و متغیرها در بیشتر مواقع حالت بینابینی از تأثیر گذاری و تأثیر پذیری را نشان می دهند که این امر ارزیابی و شناسایی عوامل کلیدی را بسیار مشکل می کند. با وجود این، در این سیستم نیز راه های ترسیم شده است که می تواند راهنمای گزینش و شناسایی عوامل کلیدی باشد. در مجموع متغیرها دارای دو نوع تأثیر هستند: تأثیر مستقیم و تأثیر غیرمستقیم که به ترتیب بررسی خواهند شد. همانطور که در نقشه پراکندگی خروجی تأثیرات مستقیم نرم افزار میک مک دیده می شود، ۲۸ عامل کلیدی اثرگذار بر اشتغال زایی فعالیت های کشت و صنعت در مناطق روستایی را نشان می دهد.



شکل شماره (۳) نقشه وضعیت اثرگذاری مستقیم عوامل مؤثر اشتغالزایی کشت و صنعت جیرفت

متغیرهای کلیدی یا استراتژیک: با توجه به اهمیت مسئله اشتغالزایی فعالیت های کشت و صنعت توسط سهام داران این شرکت در مناطق روستایی انجام شده و بدلیل دخیل بودن عناصر متعدد، به وضوح می توان پاره ای از این پیشران ها را در قسمت شمال و شمال شرق نقشه استراتژیک طراحی شده بوسیله نرم افزار میک مک مشاهده کرد که نقش کلیدی را ایفا می کنند. در شکل (۲)، می توان از عواملی همچون؛ سازماندهی منظم امور، مشارکت پذیری، کاهش فساد اقتصادی و حذف قوانین دست و پاگیر به عنوان پیشران های کلیدی مؤثر اشاره کرد که بیشتر این متغیرها در دسته مسائل حقوقی جای گرفته که نیازمند حل و فصل این قبیل مسائل در جهت فراگیر شدن همکاری های مردمان منطقه جهت سرمایه گذاری در واحدهای کشت و صنعت است.

متغیرهای تعیین کننده یا تأثیرگذار: وجود چند عامل تأثیر گذار، از جمله؛ شاخص های توسعه تولید محصولات کشاورزی ارگانیک و سالم، اصلاح الگوی کشت محصولات با توجه به شرایط منطقه و تغییرات اقلیمی، کاهش نرخ سود تسهیلات، ثبات بازار ارزی کشور جهت صدور محصولات کشاورزی، تشکیل اتحادیه و تعاونی های کشاورزی با قدرت عملکردی بالا و اصلاح ساختارهای سنتی تولید محصول و بهره گیری از کشاورزی هوشمند با توجه به وسعت اراضی در نزدیکی منطقه شمال غربی نشان می دهد این عوامل نشأت گرفته از مسائل حقوقی و قوانین مالیاتی، مسائل اقتصادی و انگیزشی و همچنین نیازمند اصلاح ساختارهای نگرشی است.

متغیرهای دو وجهی: این متغیرها دارای دو ویژگی مشترک تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری بالا هستند و هر عملی روی آن‌ها در متغیرهای دیگر نیز تغییر خواهد کرد. این متغیرها را می‌توان به دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم کرد.

متغیرهای ریسک: این متغیرها چنان که در شکل نشان داده شده است در بالای خط قطری و در ناحیه شمال شرقی شکل قرار گرفته‌اند و ظرفیت بسیار زیادی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارد. همچنان که در نقشه پراکندگی متغیرهای دو وجهی مشاهده می‌شود، یک عامل کلیدی موثر در مسئله اشتغالزایی فعالیت‌های شرکت کشت و صنعت تحت عنوان معافیت‌های تشویقی جهت صدور محصول به خارج از کشور است که سبب می‌شود تا سرمایه‌داران بخش کشاورزی در مناطق روستایی مستعد و در فعالیت‌های گوناگون علاقه نشان داده و سهام‌دار شوند.

متغیرهای هدف: این متغیرها زیر خط قطری و در ناحیه جنوب شرقی مربع مشخص شده روی صفحه قرار می‌گیرند، این متغیرها در واقع نتایج تکاملی سیستم و نمایانگر اهداف ممکن در یک سیستم هستند. با دست‌کاری و ایجاد تغییرات در این متغیرها به تکامل سیستم برنامه و هدف خود دست یافت. همچنان که در صفحه پراکندگی مشاهده می‌شود ۳ متغیر هدف دوجهی قابل مشاهده است که شامل ایجاد صندوق‌های خرد روستایی، تخصیص حبابه مورد نیاز با توجه به کم‌آبی منطقه و حذف قوانین دست و پاگیر در منطقه است که در صورت بهبود این وضعیت می‌توان از تکامل سیستم بهره‌جست و زمینه‌های سرمایه‌گذاری را به حداکثر ممکن رساند.

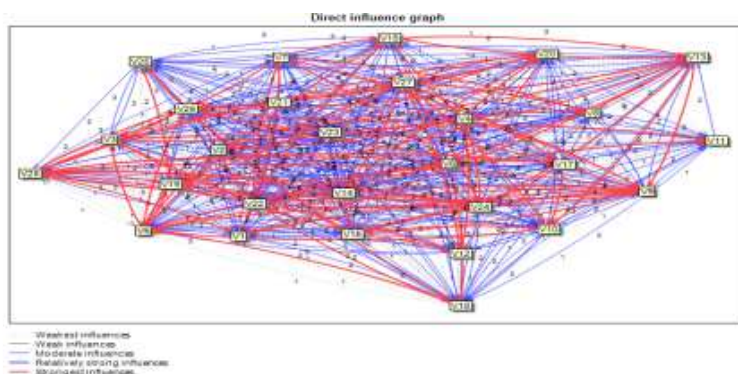
متغیرهای تأثیرپذیر: این متغیرها در قسمت جنوبی شرقی نمودار استراتژیک قرار گرفته‌اند و می‌توان آنها را متغیرهای نتیجه نیز نامید. این متغیرها از تأثیرپذیری بسیار بالا از سیستم و تأثیرگذاری بسیار پایین در سیستم برخوردار هستند. همچنان که در نقشه پراکندگی متغیرهای تأثیرگذار مشاهده می‌شود، شش متغیر تأثیرپذیر از سیستم شامل؛ شاخص‌های توسعه زنجیره‌های تأمین محصولات و فرآورده‌های گوناگون کشاورزی، سهمیم کردن کشاورزان در ارزش افزوده و بهره‌برداری از محصولات، برندسازی نمونه‌های بومی منطقه تحت عنوان محصولات خاص، تأمین زیرساخت‌های مطلوب جهت صدور محصولات با توجه به نزدیکی به راه‌آبی، همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات و کاهش هزینه‌های تولیدی اعضا است که از تأثیرگذاری پایینی برخوردارند.

متغیرهای مستقل: این متغیرها دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی هستند. این متغیرها در قسمت جنوب غربی شکل قرار گرفتند. متغیرهای مستقل را می‌توان به دو دسته متغیرهای مستقل از سیستم و متغیرهای مستقل از نتیجه سیستم تقسیم کرد. همچنان که در نقشه پراکندگی متغیرهای مستقل از سیستم و متغیرهای مستقل از نتیجه سیستم مشاهده می‌شود، متغیرهایی از جمله؛ ارائه مطالب

آموزشی مطلوب جهت ترغیب سرمایه داران، افزایش افق دید کشاورز و سرمایه دار به بازارهای خارج از کشور، توسعه و گسترش غرفه‌های متنوع جهت عرضه محصولات، سرمایه گذاری به نسبت مطلوب دولت در بخش کشاورزی و پوشش مناسب بیمه محصولات کشاورزی از عوامل کلیدی در این بحث به حساب می آیند.

تأثیرات پتانسیل مستقیم متغیرها بر یکدیگر

همانطور که مباحث پیش توضیح داده شده است تأثیر مستقیم متغیرها نسبت به یکدیگر از صفر تا چهار و بر اساس نظر متخصصان است، آن مقدار تأثیری که یک عامل از عوامل دیگری پذیرد به عنوان تأثیرپذیری و آن مقدار تأثیری که یک عامل بر عوامل دیگر می گذارد به عنوان تأثیرگذاری ثبت شده است. مقدار تأثیری که تک تک عوامل بر یکدیگر می گذارند توسط نرم افزار میک مک به توان های مختلف رسانده است که مجموع آنها مقدار کمی تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری را تشکیل می دهد. با اتکا به یافته های شکل (۳) و جدول (۳)، نیروهای پیشران کلیدی به لحاظ تأثیرگذاری به صورت زیر قابل ارائه خواهد بود. در این راستا، با توجه به ۲۸ متغیر کلی بررسی شده، متغیرهای نوسانات کم محصولات کشاورزی (۵۴)، تخصیص یارانه به سرمایه گذاران و حمایت از کارآفرینان (۵۰)، همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات (۴۸)، کاهش هزینه های تولیدی اعضا (۴۸) و توسعه زنجیره های تأمین محصولات و فرآورده های گوناگون کشاورزی (۴۷) به ترتیب بالاترین ارزش ستونی محاسبه شده و دارای بیشترین میزان تأثیرگذاری از دیگر متغیرها بوده اند. به عبارتی، مهمترین ویژگی این متغیرها، تأثیرپذیری پایین و تأثیرگذاری بالاست. و متغیرهای کاهش نرخ سود تسهیلات، تخصیص سود حاصل از سرمایه های بدست آمده به سهامداران خرد و نبود پوشش مناسب بیمه محصولات کشاورزی که سبب شده تا این شاخص ها دارای کمترین میزان تأثیرگذاری از مسئله عوامل اثرگذار بر اشتغالزایی فعالیت های کشت و صنعت باشند.



شکل شماره (۴) نقشه روابط مستقیم بین متغیرها (تأثیرات بسیار ضعیف تا بسیار قوی)

جدول شماره (۳) تحلیل اثرات مستقیم عوامل موثر بر اشتغال‌زایی کشت و صنعت

متغیر	میزان تأثیرگذاری	میزان تأثیرپذیری	خالص اثرگذاری	نوع متغیر
V1	۴۲	۳۸	+۴	مستقل
V2	۳۶	۴۷	-۱۱	وابسته
V3	۳۷	۴۴	-۷	وابسته
V4	۴۲	۳۹	+۳	مستقل
V5	۵۳	۳۸	+۱۵	تأثیرگذار
V6	۴۳	۴۰	+۳	مستقل
V7	۳۵	۴۵	-۱۰	وابسته
V8	۳۶	۴۶	-۱۰	وابسته
V9	۴۵	۵۰	-۵	استراتژیک
V10	۴۱	۴۲	+۱	دووجهی
V11	۳۶	۳۳	+۳	مستقل
V12	۳۳	۴۲	-۹	مستقل
V13	۴۷	۴۱	-۶	تأثیرگذار
V14	۵۰	۴۵	+۵	استراتژیک
V15	۴۱	۴۲	+۱	دووجهی
V16	۳۹	۴۵	+۶	وابسته
V17	۴۶	۳۸	+۸	تأثیرگذار
V18	۴۴	۳۵	+۹	تأثیرگذار
V19	۳۸	۴۸	-۱۰	وابسته
V20	۴۲	۴۳	-۱	دووجهی
V21	۴۰	۳۶	+۴	مستقل
V22	۴۴	۴۴	۰	دووجهی
V23	۴۷	۴۰	+۷	تأثیرگذار
V24	۳۹	۴۸	+۹	وابسته
V25	۴۴	۳۵	+۹	تأثیرگذار
V26	۴۵	۵۴	+۹	استراتژیک
V27	۴۷	۴۵	+۲	استراتژیک
V28	۴۹	۳۸	+۱۱	تأثیرگذار
Totals	۱۱۸۱	۱۱۸۱		

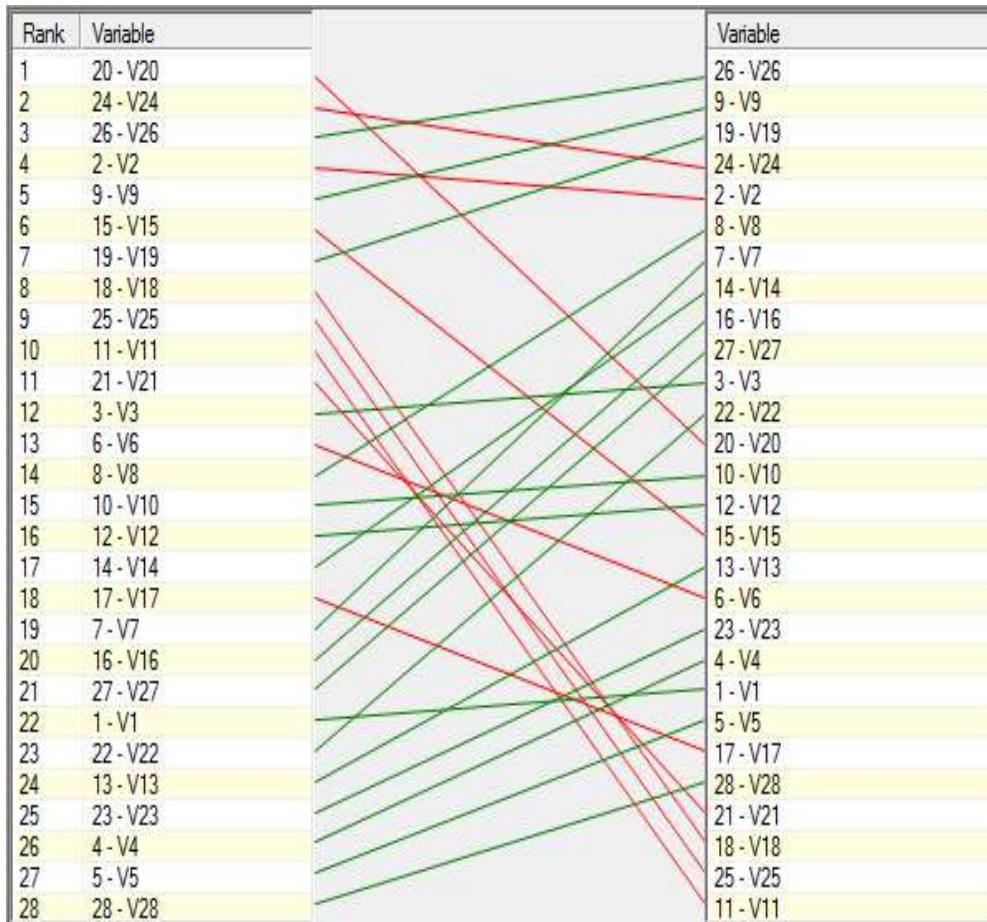
در بررسی اثرات پتانسیل غیرمستقیم و مطابق شکل (۵) مشاهده می‌شود بیشترین توزیع و پراکندگی شاخص‌ها را متغیرهای دو وجهی و وابسته تشکیل می‌دهند.

جدول شماره (۴) تاثیرات غیرمستقیم متغیرها از یکدیگر

متغیر	میزان تاثیرگذاری	میزان تاثیرپذیری	خالص اثرگذاری	نوع متغیر
V1	۷۳۸۱۳	۶۷۸۴۹	-۵۹۶۴	وابسته
V2	۶۴۶۷۲	۸۳۰۲۶	۱۸۳۵۴	تاثیرگذار
V3	۶۶۰۳۲	۷۸۰۹۸	۱۲۰۶۶	وابسته
V4	۷۳۴۷۹	۶۸۸۰۱	-۴۶۷۸	دووجهی
V5	۹۲۱۸۴	۶۹۳۱۶	-۲۲۸۶۸	دووجهی
V6	۷۵۷۱۱	۷۰۷۲۷	-۴۹۸۴	مستقل
V7	۶۴۶۳۱	۸۰۳۴۵	۱۵۷۱۴	تاثیرگذار
V8	۶۳۹۰۰	۸۰۲۴۱	۱۶۳۴۱	دووجهی
V9	۷۹۴۲۹	۸۸۶۱۶	۹۱۸۷	دووجهی
V10	۷۳۷۶۵	۷۴۰۰۳	۲۳۸	دووجهی
V11	۶۳۷۴۷	۵۹۰۱۶	-۴۷۳۱	وابسته
V12	۵۹۳۸۱	۷۳۶۹۴	۱۴۳۱۳	وابسته
V13	۸۳۱۴۸	۷۳۲۳۰	-۹۹۱۸	مستقل
V14	۸۸۱۹۱	۷۹۸۱۹	-۸۳۷۲	وابسته
V15	۷۳۳۸۶	۷۴۷۶۷	۱۳۸۱	استراتژیک
V16	۶۸۹۹۲	۷۹۴۸۲	۱۰۴۹۰	مستقل
V17	۸۰۸۸۴	۶۷۷۲۷	-۱۳۱۵۷	مستقل
V18	۷۸۲۰۴	۶۱۲۴۶	-۱۶۹۵۸	وابسته
V19	۶۸۶۱۴	۸۴۷۱۸	۱۶۱۰۴	تاثیرگذار
V20	۷۴۵۰۸	۷۵۹۵۴	۱۴۴۶	دووجهی
V21	۷۰۵۶۰	۶۴۴۳۳	-۶۱۲۷	دووجهی
V22	۷۷۷۹۲	۷۷۳۴۸	-۴۴۴	وابسته
V23	۸۲۴۰۲	۷۱۷۳۷	-۱۰۶۶۵	وابسته
V24	۶۹۲۰۷	۸۴۰۰۸	۱۴۸۰۱	وابسته
V25	۷۷۶۰۹	۶۳۲۹۵	-۱۴۳۱۴	وابسته
V26	۸۰۴۶۵	۹۴۰۲۰	۱۳۵۵۵	استراتژیک
V27	۸۲۵۷۰	۷۹۳۹۷	-۳۱۷۳	استراتژیک
V28	۸۶۴۷۴	۶۸۸۳۷	-۱۷۶۳۷	دووجهی
Totals	۱۱۸۱	۱۱۸۱		

برحسب ماتریس تاثیرگذاری و وابستگی بالقوه مستقیم و غیرمستقیم در شکل (۷)، می توان گفت که شاخص های حذف قوانین دست و پاگیر، کاهش هزینه های تولیدی اعضاء و نوسانات کم قیمت محصولات کشاورزی در رتبه اول تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است و بیشترین سهم را در ارتباط با مسئله اشتغالزایی داشته اند. در قسمت سمت راست شکل (۷)، شاخص نوسانات کم قیمت محصولات کشاورزی در رده اول بیشترین میزان وابستگی مستقیم از دیگر متغیرها قرار گرفته است و شاخص های تخصیص یارانه به سرمایه گذاران و حمایت از کارآفرینان و همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات در رتبه های دوم و سوم اثرگذاری قرار گرفته اند و همین حالت نیز پیرامون

اثرگذاری غیرمستقیم بالقوه شاخص‌ها صادق است و شاخص نبود صنایع تبدیلی و کانال‌های توزیع مناسب‌ترین تاثیرگذاری غیرمستقیم را از آن خود کرده است.



شکل شماره (۷) تحلیل اثر وابستگی مستقیم (سمت چپ) و غیرمستقیم بالقوه (سمت راست)

جدول شماره (۵) عوامل کلیدی تاثیر گذار (مستقیم و غیرمستقیم) و انتخاب نهایی بر اساس مدل تحلیل ساختاری

رتبه	تاثیر گذاری مستقیم	تاثیر گذاری غیرمستقیم
۱	حذف قوانین دست و پاگیر	نوسانات کم محصولات کشاورزی
۲	کاهش هزینه های تولیدی اعضا	تخصیص یارانه به سرمایه گذاران و حمایت از کارآفرینان
۳	نوسانات کم محصولات کشاورزی	همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات
۴	و محصولات تأمین زنجیره های توسعه کشاورزی گوناگون فرآورده های	کاهش هزینه های تولیدی اعضا
۵	تخصیص یارانه به سرمایه گذاران و حمایت از کارآفرینان	کشاورزی گوناگون فرآورده های و محصولات تأمین زنجیره های توسعه
۶	تخصیص حقا به مورد نیاز با توجه به کم آبی منطقه	برندسازی نمونه های بومی منطقه تحت عنوان محصولات خاص
۷	همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات	قرار گرفتن محصولات در بورس جهت ایجاد فضای رقابتی و حذف واسطه ها

(۵) نتیجه گیری

مواجهه با چالش های پیش رو و استفاده بهینه از منابع محدود و سایر امکانات مستلزم مدیریت کارآمد در بخش و پیاده سازی راهکارهایی است تا ضمن حفظ منابع، بهره وری و تولید پایدار را محقق سازند. یکی از مهمترین این راهکارها، ایجاد نهادهای کارآمد در طول زنجیره تأمین محصولات و فرآورده های کشاورزی است. در بین انواع متنوع این نهادها، شرکت های کشت و صنعت جایگاه ویژه ای دارند. در این نوع از نظام بهره برداری ضمن یکپارچه شدن اراضی می توان به اهدافی از جمله تکمیل زنجیره تولید و ارزش، بکارگیری فناوری های نوین در عرصه کشاورزی، بهبود کیفیت محصولات از طریق مدیریت صحیح مزرعه، برنامه ریزی برای تولید محصولات سالم و ارگانیک و ایجاد زمینه فراهم کردن حداکثری اشتغال مردمان بومی مناطق مستعد نیز دست یافت. این شرکت ها بر اساس اسناد بالادستی با ساختار تعریف شده ای شکل گرفته است، موجب ایجاد مزایای جدیدی از جمله فراهم کردن زمینه های اشتغالزایی جهت توسعه بخش کشاورزی می گردد. همانطور که عنوان شد؛ در چند دهه اخیر، کشورهای در حال توسعه از جمله ایران اقدام به اجرای پروژه هایی در جهت اشتغالزایی در مناطق روستایی، نظیر شرکت های کشت و صنعت کرده اند. این صنایع در پی نقایض اصلاحات ارضی که در اوایل دهه ۱۳۴۰ به عنوان یک طرح بزرگ از سوی دولت وقت معرفی شد. نمونه این طرح می توان به شرکت کشت و صنعت جیرفت (سهامی خاص) اشاره کرد که در سال ۱۳۵۲ با هدف انجام عملیات کشاورزی و دامداری نوین و نیز راه - اندازی صنایع جنبی و تکمیلی، جهت تولید فرآورده های کشاورزی و دامی در قالب یک نظام بهره -

برداری پیشرفته، به عنوان زیرمجموعه‌ای از وزارت کشاورزی و منابع طبیعی ایجاد گردید که تا امروزه نقش مهمی در اشتغالزایی مردمان منطقه ایفا کرده است. با این حال امروزه نیز اکثر واحدهای بهره برداری کوچکتر شده‌اند بطوری که بیش از ۹۰ درصد اراضی مساحتی کمتر از ۵ هکتار دارند ویژگی منفی این قبیل واحدها پایین بودن کارایی یا بازده اقتصادی و عدم اشتغالزایی بالقوه است از طرفی دیگر، فرایند یکپارچه سازی اراضی که هنوز هم شروع نشده است باتوجه به فرهنگ و دانش فعلی روستائیان به آسانی تحقق نخواهد یافت. گذشته از این یکپارچه سازی و متعاقب آن گسترش تک کشتی های مکانیزه نیز با توجه به تجربیات وسیع کشورهای غربی محدودیت های زیست محیطی الودگی محیط زیست و اجتماعی فروپاشی مزارع خانوادگی و مهاجرت در صورت نبود اشتغال در قشر جوانان را در پی دارد. با توجه به اهمیت این مقوله، هدف مقاله حاضر تبیین و شناسایی متغیرهای کلیدی مؤثر و نقش آن ها بر اشتغالزایی فعالیت های شرکت کشت و صنعت جیرفت است که با استفاده از مطالعه آینده پژوهی سعی گردید تا به دسته بندی متغیرها به لحاظ تاثیرگذاری و یا تاثیرپذیری و به عبارتی نقش کلیدی هر کدام تشریح گردد. نتایج نشان داد؛ متغیرهای نوسانات کم محصولات کشاورزی، تخصیص یارانه به سرمایه گذاران و حمایت از کارآفرینان، همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات، کاهش هزینه های تولیدی اعضا و توسعه زنجیره‌های تأمین محصولات و فرآورده های گوناگون کشاورزی به ترتیب بالاترین ارزش ستونی محاسبه شده و دارای بیشترین میزان تاثیرگذاری از دیگر متغیرها بوده اند. به عبارتی، مهمترین ویژگی این متغیرها، تاثیرپذیری پایین و تاثیرگذاری بالاست. و متغیرهای کاهش نرخ سود تسهیلات، تخصیص سود حاصل از سرمایه های بدست آمده به سهامداران خرد و نبود پوشش مناسب بیمه محصولات کشاورزی که سبب شده تا این شاخص ها دارای کمترین میزان تاثیرگذاری از مسئله عوامل اثرگذار بر اشتغالزایی فعالیت‌های کشت و صنعت باشند. در تاثیر غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر، متغیرهای نوسانات کم محصولات کشاورزی، تخصیص یارانه به سرمایه گذاران و حمایت از کارآفرینان، همراهی سازمان امور مالیاتی برای کاهش تعرفه مالیات، کاهش هزینه های تولیدی اعضا، و توسعه زنجیره‌های تأمین محصولات و فرآورده های گوناگون کشاورزی به ترتیب دارای بیشترین ارزش ستونی محاسبه شده و دارای بیشترین میزان تاثیرپذیری از دیگر متغیرها بوده اند.

یافته های پژوهش حاضر به لحاظ محتوایی تنها با یافته های پژوهش رومی و پاروت (۲۰۰۸)، نواز (۲۰۰۹) و سایتاما (۲۰۱۰) مطابقت دارد آن ها در پژوهش های خود به این نتیجه رسیدند که عواملی از جمله پائین بودن سطح ریسک و نوآوری، دسترسی دشوار به اعتبارات سرمایه‌ای از سوی نهادهای دولتی و خصوصی، پائین بودن سودآوری فعالیت‌های اقتصادی در روستا، انتقال سرمایه مالی توسط روستائیان به شهر، نبود زیرساخت های فیزیکی مناسب در روستا، مهاجرت روستائیان به شهر، پائین بودن تجهیزات

مدرن در روستا، مشکلات بازاریابی محصولات، مناسب نبودن سیاست‌ها و قوانین سازمانی و دولتی و سیاست‌های بانکی، دوره‌های مقطعی آموزش کارآفرینی، عدم توان ریسک‌پذیری از مهم‌ترین موانع توسعه اشتغال در نواحی روستایی است. اما به لحاظ روش بکار رفته، این پژوهش به بررسی پیشران‌های کلیدی موثر بر اشتغال‌زایی فعالیت‌های کشت و صنعت در مناطق روستایی پرداخته است و تقریباً می‌توان ادعا کرد که در خصوص موضع پیشران‌های کلیدی در بحث اشتغال‌زایی هیچ مطالعه‌ای مشاهده نشده است.

۶ منابع

- ازکیا، مصطفی. و ایمانی، علی. (۱۳۸۷)، توسعه پایدار روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی. و فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۷)، بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری‌های دهقانی به تعاونی، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۱۶، شماره ۳۳، صص ۷۷-۹۸.
- اسکوئی، محمدرضا. (۱۳۸۱). کاربرد شبکه‌های عصبی در پیش‌بینی سری زمانی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی ایران سال چهارم، شماره ۱، صص ۶۹-۹۶.
- امینی، علیرضا. (۱۳۷۸)، برآورد و تحلیل تابع تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی و پیش‌بینی آن در طول برنامه سوم توسعه، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۰ و ۴۱، صص ۲۹-۳۰.
- باصری، بیژن. و جهانگرد، اسفندیار. (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل ظرفیت اشتغال‌زایی بخش کشاورزی ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۵، شماره ۵۹، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- بلالی، حمید. و خلیلیان، صادق. (۱۳۸۲)، تاثیر سرمایه‌گذاری بر اشتغال‌زایی و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۱۱، شماره ۴۰ و ۴۱، صص ۱۱۸-۱۰۷.
- حجتی پور، محمد. و فال سلیمان، محمود. (۱۳۹۳)، واکاوی عوامل اثرگذار بر دگرش نظام‌های بهره‌برداری زراعی (مورد شناسی: روستاهای شرکت سهامی زراعی سهل آباد - نه‌بندان)، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال ۴، شماره ۱۰، صص ۵۴-۳۹.
- حسینی، سیدعلی. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر افزایش درآمد و اشتغال روستاییان در استان گیلان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. دوره ۳، شماره ۷، صص ۳۴-۱۹.
- شکوری، علی. (۱۳۸۸)، سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران، تهران: انتشارات سمت.
- صادقی، حسین. و همایونی فر، مسعود. (۱۳۸۰)، نقش کشاورزی در تامین اشتغال و کاهش بیکاری، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی مدرس، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷-۳۴.
- صافی، رامین. و میرلطیفی، سیدمجید. (۱۳۹۴)، ارزیابی وضعیت کشت نیشکر در استان خوزستان، مجله مهندسی منابع آب، سال ۸، شماره ۲، صص ۹۲-۸۷.
- صی محمدی، سمیره.، زرافشانی، کیومرث. و علی بیگی، امیرحسین. (۱۳۹۵)، بررسی پیامدهای اجتماعی - اقتصادی شرکت کشت و صنعت روژین تاک در شهرستان کرمانشاه، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال ۴۸، شماره ۴، صص ۶۴۳-۶۳۱.
- فرجی سبکبار، حسنعلی. (۱۳۹۲)، تحلیل اختلافات فضایی فعالیت (اشتغال و بیکاری) در نواحی روستایی ایران، اقتصاد فضا و توسعه روستایی. دوره ۲، شماره ۶، صص ۲۴-۳.

- فرجی سبکبار، حسنعلی، ملایی، نادر. و هاجری، بهرام. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی الگوی اشتغال در بخش های عمده فعالیت نواحی روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۴-۱.
- قادرمزی، حامد. (۱۳۹۴). برنامه ریزی راهبردی توسعه اشتغال در نواحی روستایی شهرستان جواهرود، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۴، شماره ۱۱، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- قدیری معصوم، مجتبی. و، عزمی، آئیش. (۱۳۸۹). تحولات اشتغال روستایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن، مجله چشم انداز جغرافیایی، سال ۴، شماره ۱۰، صص ۱۱۹-۱۰۱.
- کرباسی، علیرضا، اثنی عشر، هاجر. و عاقل، حسن. (۱۳۸۷). پیش بینی اشتغال بخش کشاورزی ایران، مجله اقتصادی در توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد ۲۲، شماره ۲، صص ۴۳-۳۱.
- مجاوریان، سیدمجتبی، طهرانچیان، امیرمنصور، و پورصفر، زینب. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین رشد، اشتغال و صادرات در بخش کشاورزی ایران، مجله اقتصاد کشاورزی، سال ۸، شماره ۳، صص ۱۲-۱؛
- محمدی، هادی، فلیحی، نعمت و باقرآبادی، صمد. (۱۳۹۲). تحلیل عوامل مؤثر بر اشتغال بخش کشاورزی (مطالعه موردی: استان‌های ایلام، کردستان، کرمانشاه و همدان)، فصلنامه علوم اقتصادی، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۱۳۵-۱۱۵.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن. و نجفی کانی، علی اکبر. (۱۳۸۵). بررسی و ارزیابی اثرات شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی نمونه موردی: شهرستان بابل. مجله پژوهشهای جغرافیایی، دوره ۳۸، شماره ۵۸، صص. ۱۴۵-۱۶۷.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، (۱۳۹۰). جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی، صنعت، خدمات)، نشر جهاد دانشگاهی مشهد،
- نوری زمان آبادی، سید هدایت‌الله، بیک محمدی، حسن، تقدیسی، احمد. و شفیعی، پروین. (۱۳۸۹). اولویت بندی صنایع کوچک و کارگاهی مناطق روستایی شهرستان اردستان با روش دلفی. مجله روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۲، صص. ۶۱-۷۹.
- یغفوری، حسین، فتوحی، صمد، و ابرکار، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی پارک های ناحی های و محله ای موجود در شهر جیرفت و مکان یابی بهینه آنها با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مجله جغرافیا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۴۴، صص ۱۸۸-۱۶۵؛
- Ahmadvand, M., & Karami, E. (2009). **A social impact assessment of the floodwater spreading project on the Gareh-Bygone plain in Iran: a causal comparative approach.** *Environmental Impact Assessment Review*, 29(2), 126-136.
- Kuroda, Y. (1987). **The production structure and demand for labor in postwar Japanese agriculture, 1952-82.** *American Journal of Agricultural Economics*, 69(2), 328-337.
- Mehmet, O. (1995). **Employment creation and green development strategy.** *Ecological Economics*, 15(1), 11-19.
- Nawaz, F. (2009). **Critical factors of women entrepreneurship development in rural Bangladesh.** U.S.A: Bangladesh Development Research Center (BDRC).
- Rezaei-Moghaddam, K., Karami, E., & Gibson, J. (2005). **Conceptualizing sustainable agriculture Iran as an illustrative case.** *Journal of Sustainable Agriculture*, 27(3), 25-56.
- Roomi, M. A., & Parrott, G. (2008). **Barriers to development and progression of women entrepreneurs in Pakistan.** *The Journal of Entrepreneurship*, 17(1), 59-72.
- Sathibama, K. (2010). **Rural women empowerment and entrepreneurship development** (No. id: 2475). From: <http://ideas.repec.org/p/ess/wpaper/id2475.html>.